سرمقاله

سیاست فعال چین در افغانستان

محمدرضا هویدا

با تغییرات در رویدادهای افغانستان، نقش کشورهای تاثیر گذار در افغانستان نیز تغییر کرده است. در طول سیزده سال گذشته، کشورهای غربی به خصوص امریکا و انگلیس نقش مهمی در مسایل افغانستان داشته اند. انگلیس به عنوان کشوری که از گذشته در قضایای افغانستان نقش داشته است و امریکا نیز که رهبری ائتلاف جهانی ضد تروریزم را در افغانستان به عهده داشته، در مسایل افغانستان نقش تعیین کننده ای داشتند. تغییر جغرافیای جنگ در افغانستان از جنوب به شمال، همزمان با خروج نیروهای ناتو و آیساف از افغانستان، زنگ خطر را برای کشورهای شمالی افغانستان به صدا درآورد. جمهوری های آسیای میانه، چین و شوروی، خطر را در نزدیکی مرزهای خود یافتند. در حال حاضر طالبان به مرزهای برخی از این کشورها رسیده اند و داعش نیز در همین راه می خواهد خود را به این کشورها برساند. حامد کرزی در دوره دوم حکومتش، زمانی که روابطش با غرب رو به سردی گرایید، سعی کرد با توسل به ابرقدرت های شرقی روسیه و چین، امریکا را وادار به همراهی با خود کند. او بارها تمایل خود را برای رفتن به سوی روسیه و چین نشان داد. اما دولت اشرف غنی با درک این واقعیت که چین و روسیه در معادلات جهانی نقش مهمی دارند، در سفرهای اولیه خود راهی چین شد و از آن کشور درخواست کمک کرد. چین به عنوان کشوری که از نظرهای مختلف بر پاکستان نفوذ دارد می تواند در تحت فشار قرار دادن پاکستان برای قطع مداخلاتش در افغانستان کار کند.

به هر صورت حالا، چین عضو گروه هماهنگی چهار جانبه است که مرجع تعیین نقشه راه صلح شناخته می شود. چین در سالهای گذشته در افغانستان، در عین حالی که آرام و ساکت بوده و کمک های اقتصادی داشته است، اما همواره مترصد قضایای افغانستان بوده و هست. سیاست کنونی چین در قبال افغانستان، سیاست فعال است. چین نمی خواهد نظاره گر عملکرد و رفتار کشورهای غربی باشد. چین می خواهد در قضایای افغانستان دخیل باشد و در کنترول جنگ و صلح در این کشور جنگ زده سهم فعال داشته باشد.

حضور سرزده رئیس ستاد ارتش چین در افغانستان، به خوبی نشان می دهد که چین، از نظاره گری غیر فعال به بازیگری فعال در مسایل افغانستان تبدیل شده است. افغانستان در حال حاضر میدان جنگ های بزرگ استخباراتی و نیابتی کشورهای بزرگ منطقه و جهان است. جنگ های افغانستان بی ارتباط به تضاد منافع کشورهای دور و نزدیک منطقه و جهان با یکدیگر نیست. و این جنگ نمی تواند بدون پشتوانه سازمان های استخباراتی ابرقدرتهای جهانی و قدرت های منطقه ای چنین داغ باقی بماند. حضور چین در مسایل افغانستان، هر چند شاید مسئله جنگ در افغانستان را پیچیده تر کند، ولی چین به عنوان یک بازیگر جدید که طبیعتا منافع خاص خود را دارد و تعریف متفاوتی از جنگ افغانستان نیز خواهد داشت، برای بسیاری از کشورها باید جدی پنداشته شود.

همزمان، عملا در مقابل کشورهای غربی قرار گرفته و با حضور در جنگ سوریه، خاطرات جنگ سرد را دوباره در اذهان عمومی زنده کرده است، در مسایل افغانستان فعال تر از هر زمانی دیگری شده است. روسیه در راس کشورهای همسایه شمالی افغانستان نمی تواند خطر افراط گرایی و تروریزم را نادیده بگیرد. روسیه و چین خودشان را هدف اصلی موج جدید تروریزم و افراط گرایان می دانند و القاعده، داعش و طالب پیشقراولان آن به حساب می آورند.

اما افغانستان چگونه می تواند از چین و روسیه برای ثبات و امنیت خود استفاده کند، مسئله دیگری است. دولتمردان افغانستان در گذشته معمولا نتوانسته اند استفاده درست از تقابل ابرقدرت ها بکنند. دولتمردان افغانستان گاهی به دامن یکی افتاده اند و خشم دیگری را برانگیخته اند و بار دیگری در آتش غضب یکی گرفتار مانده اند و برای جلب نظری دیگری تلاش کرده اند.

آلودگی هوا ، کشتار فاجعه بار اما بی صدا!

شکور

چند روز پیش مقام های اداره حفاظت محیط زیست کشور اظهار داشتند که حکومت قبلی و کنونی، اراده ای برای کاهش آلودگی هوا ندارد و براساس آمار بانک جهانی، سالانه یک میلیون تُن آلاینده یا ذرات معلق در فضای کابل پخش می شود و دولت برای پاک کاری آن هیچ هزینه ای را در نظر نمی گیرد. طی نشستی تحت عنوان « رسانه های افغانستان و مسئولیت اجتماعی» در کابل رییس برنامه ریزی اداره حفاظت از محیط زیست بیان داشت: بر اساس آماری که بانک جهانی صرف در محدوده شهر کابل انجام داده، سالانه یک میلیون تُن به شمول (۶۷۰ هزار تن دی اکسید کاربن و ۹۷هزار تن مونواکسید کاربن) آلاینده به فضای شهر کابل پرتاب می شود ولی دولت هیچ هزینه ای را برای پاک کاری آن نمی پردازد. حال آنکه که سایر کشور های جهان به ویژه ایالات متحده امریکا، برای پاک کاری یک تن ذرات معلق در فضا، ۵۳۰۰ دالر هزینه می کند اما دولت افغانستان چنین هزینه ای را نمی پردازد. بر اساس گفته این مقام نبود اراده سیاسی از سوی حکومت قبلی و فعلی، قانون شکنی ها، فقر مالی و فرهنگی، ساختار اقتصاد بازار، تراکم نفوس، ادامه ناامنی ها، آب و هوای خشک، کمبود هماهنگی میان ادارات ذی دخل و تغییرات اقلیمی را از چالش های فرا راه اداره حفاظت محیط زیست عنوان کرد.وی در ادامه افزود که این اداره برنامه ها و پالیسی های مبارزه با آلودگی هوا را در سطح کشور ساخته است، ولی دولت هیچ تمایلی برای تمویل این برنامه ها ندارد.

بدون تردید درمیان انبوهی از مشکلات و چالش های که جامعه ما باآن روبرو می باشد، وضعیت تاسفبار و نگران کننده محیط زیست یکی از موارد و تهدید های جدی است که نسبت به آن غفلت تکان دهنده ای وجود دارد. باید افزود وقتی سخن از وضعیت محیط زیستی به میان می آید، این موضوع فقط در شهرها محدود نمی گردد، بلکه دامنه وسیعی به وسعت کشور را با ابعاد مختلف آن دربر می‌گیرد. همینطور این نگرانی در بخشی از ماه های سال شدت بیشتری بخود می گیرد. شاید بهانه این نوشتار درباره وضعیت محیط زیست، آلودگی و نامساعدبودن بسیار شدید آب و هوای کابل باشد، اما این بهانه موجب گردید تا علاوه بربیان نگرانی های محیط زیستی در شهرکابل، موضوع از یک نگاه کلانتر نیز مورد توجه و بحث قرار گیرد. وضعیت محیط زیست از موضوعاتی است که چگونگی آن بر زندگی و سلامتی جامعه اثر جدی و واضحی بجای میگذارد. به همین جهت همه کشورهای جهان اعم از پیشرفته، در حال رشد و عقب مانده به گونه یی نسبت به چگونگی محیط زیست حساسیت داشته و در بسیاری از موارد با چالش های ناشی از تخریب محیط زیست رو برو می باشند. طبیعی به نظر می رسد که افغانستان نیز با توجه به مشکلات فراوانی که در زمینه های مختلف با آن روبرو می باشد، موضوع محیط زیست نیز از مسایلی است که بخش عمده ای از مشکلات آن را دربر میگیرد. بی تفاوتی نسبت به چگونگی محیط زیست شرایط مساعد و مصئون را برای یک زندگی سالم و آرام سلب خواهد کرد. در همین راستا افغانستان نیز یک اداره مستقلی را جهت نظارت و مطالعه بر وضعیت محیط زیستی کشور بوجود آورده است. قانون حفظ محیط زیست که از سوی این اداره ارائه شده است محیط زیست را اینگونه تعریف مینماید : محیط زیست عبارت از منابع طبیعی تعاملات بین اجزای منابع طبیعی یا بین اجزای مذکور و انسان ها و حیوانات ، خواص فیزیکی ، فرهنگی ، تزیینی یا شرایطی است که صحت و سلامت آنها را تحت تاثیر قرار میدهد. طبق این تعریف و بر بنیاد شواهد و مطالعات صورت گرفته که اداره ملی محیط زیست نیز در آن شریک می باشد، محیط زیست کشور بطور کلی در وضعیت بسیار وخیم و خطرناکی قرار دارد. این وخامت وضعیت محیط زیستی، خصوصا در شهر کابل بیش از همه نگران کننده به نظر می رسد. بطور مثال با اینکه آلودگی هوا و وخامت وضعیت محیط زیستی یک پدیده منفی جهانی محسوب می‌گردد، اما اداره ی ملی حفاظت محیط زیست در این رابطه اعلام داشته است که ذرات کوچک سمی موجود در فضای کشور، هفت برابر بیشتر از کشور های جهان میباشد. برنبیاد اظهارات یک مقام اداره ملی محیط زیست کشور در شرایط کنونی سالانه در سراسر جهان تقریبا ۱۳ ملیون نفر به دلیل مشکلات و امراضی که از محیط زیست سرچشمه می‌گیرد جان خود را از دست میدهند، اما این بحران در افغانستان به مراتب بیشتر و خطرناکتر از سایر کشورها می باشد. به گفته ی این مقام اداره ملی محیط زیست متوسط عمر در کابل طبق احصاییه هایی که انجام شده است برای خانم ها ۴۴ سال و برای مرد ها ۴۵ سال می باشد. بر اساس شواهدعلمی میزان طول عمر انسان‌ها کاملا به وضعیت و چگونگی محیط زیست ارتباط دارد. چنانچه معیارها و استندردهای محیط زیستی رعایت گردد، بطور قطع میزان طول عمر افراد در کشور بیش از این افزایش خواهد یافت.

درباره علل وخامت وضعیت محیط زیستی در جهان و کشور علل و زمینه‌های متعددی برشمرده شده است. افزایش گرمای زمین و تخریب لایه ازن به دلیل‌افزایش تولید گازهای معروف به گازهای گلخانه یی عامل اصلی آلودگی هوا و محیط زیست در جهان شناخته شده است. این وضعیت نگرانی ها و تشویش های فزاینده یی را در محافل علمی و تکنولوژیک جهان به وجود آورده است. برای مقابله با چنین وضعیتی به استثنای ایران و امریکا، نمایندگان حدود ۱۴۰ کشور جهان پیمانی را بنام پیمان کیوتو در سال ۱۹۹۷ به امضا رسانیده اند. اما در افغانستان، تمهیدات در مقابله با مشکل محیط زیستی جز ایجاد اداره ملی محیط زیست و تصویب قانون محیط زیست، تاکنون اقدام لازم و درخور توجه صورت نگرفته است.

در باب علل و عوامل آلودگی محیط زیستی در کشور بر شمرده اند بطور کلی فاکتورهای زیر را می توان یاد نمود. علل سیاسی-امنیتی در صدر همه عوامل قرار دارد. بر کسی پوشیده نیست که سال‌ها جنگ و درگیری و استفاده از سلاح های مختلف النوع و نیز فروپاشی نظام اداره و کنترل در کشور موجب گردید که پیامدهای شوم و اثرهای آن تا سالهای سال گریبان‌گیر نسل امروز آینده کشور گردد.

تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست بوسیله طبیعت و انسان فاکتورهای دیگری هستند که در زمینه بحران محیط زیستی در کشور دخالت دارند. تداوم خشک سالی و از بین رفتن مراتع و نابودی مزارع و جنگلات، و وقوع سیلاب های سنگین بخاطر تغییراتی که در طبیعت رونما گردیده است؛ از سوی دیگر عوامل انسانی نیز به نوبه خود مستقیم و غیرمستقیم در تخریب و نابودی منابع طبیعی موثر واقع می‌شود. بطور مثال استفاده نادرست از طبیعت و مواهب آن که پیامدهای ناگواری را در عرصه زیست محیطی بدنبال داشته است، همه بگونه ای بحران زیست محیطی را تشدید نموده و دوام بخشیده است. هجوم بی رویه مردم از ده‌ها بسوی شهرها و ایجاد حاشیه نشینی های متعدد در شهرهای عمده بخصوص در کابل آلوده گی، هوای شهرها به اثر مصرف نادرست مواد نفتی در موترها و خرابی سرک‌های داخل شهرها که سبب گرد و خاک می شود، از بین رفتن فضاهای سبز بخاطر ساخت و سازهای بی رویه ساختمانی، مجهز نبودن بسیاری از ساختمان های دولتی و شخصی با سیستم های آبرسانی و عدم موجودیت امکانات رفاهی و اجتماعی در بسیاری از شهرهای کشور هر کدام بگونه ای در ایجاد بحران زیست نقش و دخالت داشته اند. بطور نمونه تراکم نفوس در کابل، آنگونه که احصاییه ها نشان میدهد در شهر کابل نزدیک به ۵ ملیون انسان زندگی میکنند که این شهر به هیچ وجه گنجایش و ظرفیت خوب و مناسب زیست به این رقم بزرگ را ندارد. مهم تر از همه اینکه در حدود ۷۰-۸۰ درصد این افراد، با فرهنگ شهر نشینی آشنایی ندارند. از جانب دیگر عدم توجه لازم از سوی حکومت و مقامات مسئول ذیربط، نبودن بودجه لازم در رابطه با سرمایه گزاری و سیاست گزاری برای حفظ محیط زیست، نبود کادر یا پرسونل مسلکی و وسایل لازم برای توسعه و تقویت اداره محیط زیست و هم چنین عدم همکاری به موقع و مورد انتظار دیگر ادارات و مردم برای حفظ و مراقبت از محیط زیست خویش هریک بگونه ای در وضعیت ناگوار محیط زیستی اثر گذار بوده اند.

اما راه های بیرون رفت از این مشکل محیط زیستی آنست که ادارات مسئول به خصوص ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست، وزارت صحت، وزارت زراعت و شهرداری ها با تشریک مساعی لازم در زمینه سیاست گزاری دقیق نموده و اقدام های جدی و فوری را روی دست گیرند. تاکید بر نکته اقدام جدی وفوری از آن جهت است که واقعیت آنست که وضعیت محیط زیستی در کشور و بخصوص در کابل واقعاً نگران کننده به نظر می رسد و به یک ابتکار جدی و عملی ضرورت دارد. اگر ارگان های مسوول در این زمینه اقدام به موقع و عملی ننمایند مشکلاتی که در حال و آینده سلامتی هموطنان را تهدید می نماید، جبران آن شاید غیرممکن باشد و مردم محکوم به این خواهند بود که با کشتار فاجعه بار اما بی صدا دست و پنجه نرم نمایند.

خطر تغییر اقلیم را باور کنیم

تاج‌الدین کرمی

آنچه امروزه تغییرات اقلیمی را در صدر مسائل جهانی قرار داده، نقش فزاینده فعالیت‌های انسانی در تشدید تغییرات اقلیمی و حساسیت بسیار زیاد جوامع انسانی به مخاطرات ناشی از این تغییرات است. تغییر اقلیم را عمدتا با افزایش دمای سطح زمین می‌شناسند. بر اساس برآوردهای هیأت بین‌دولی تغییرات اقلیمی (IPCC)، تا سال ۲۱۰۰ میلادی، بیش از ۱۰ درجه سانتی‌گراد بر دمای متوسط برخی مناطق، افزوده می‌شود. به علاوه، آب‌شدن یخ‌های قطبی، بالاآمدن آب اقیانوس‌ها، خشک‌سالی‌های طولانی‌مدت، کاهش منابع و ذخایر آبی، ایجاد توفان‌ها و سیل‌های ناگهانی، افزایش‌ها و کاهش‌های شدید دما، افزایش ریزگردها و آلودگی هوا و... از پیامدهای مهم تغییرات اقلیمی محسوب می‌شوند. مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان و شمالگان، بیشتر در معرض خطرات پیش‌گفته قرار خواهند گرفت.

با ظهور سرمایه‌داری صنعتی، افزایش سرعت در تولید مواد غذایی و توسعه امکانات بهداشتی و درمانی، جمعیت بشر رو به فزونی نهاده است. حاصل این جریان‌ها، دگرگونی سازمان اجتماعی-فضایی جوامع انسانی به‌نفع شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری بوده است. شهرها به‌واقع مهم‌ترین سازوکار فضایی، انباشت سرمایه و به تعبیری موتور رشد و توسعه جوامع برآمده از انقلاب صنعتی بوده‌اند. ازاین‌رو، امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان، در شهرها زندگی می‌کنند و به‌طور متوسط هفته‌ای ۱٫۳میلیون نفر به جمعیت شهری جهان افزود می‌شود.گذار از جوامع ایلی و دهقانی به جوامع شهری، نقش بسیار زیادی در تولید گازهای گلخانه‌ای و افزایش دمای متوسط زمین داشته است. ساخت‌وسازها و فعالیت‌های شهری از دو بعد فیزیکی و شیمیایی بر تغییرات اقلیمی اثرگذارند. از سویی، تمرکز شدید سازه‌های شهری و پوشش گسترده بتونی، آسفالت و نظایر آن، موجب افزایش دما و شکل‌گیری جزایر حرارتی، کندشدن سرعت جریان هوا و باد، کاهش بخار آب و بالارفتن تبخیر در محیط‌های شهری می‌شود و از سوی دیگر، افزایش فعالیت‌های شهری، موجب افزایش آلاینده‌های شیمیایی و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو می‌شود. به‌علاوه، امروزه نواحی شهری در حدود ۸۰درصد GDP جهانی را تولید می‌کنند. به‌واقع شهرنشینی سبب افزایش درآمد شده و درآمد بیشتر نیز به مفهوم مصرف بیشتر انرژی و تولید بیشتر گازهای گلخانه‌ای است. برآورد شده که بین ۶۷ تا ۷۶درصد مصرف انرژی و ۷۱ تا ۷۶درصد انتشار دی‌اکسیدکربن، به شهرنشینی و فعالیت‌های شهری مربوط می‌شود. شهرها، هم در افزایش تغییرات اقلیمی نقش زیادی دارند و هم بیشترین اثرات ناشی از مخاطرات تغییر اقلیم متوجه شهرهاست. تغییرات اقلیمی، چالش‌های گوناگونی را برای اکوسیستم شهری و معیشت ساکنان شهرها پدید می‌آورد. اثرات این تغییرات به‌طورعمده معطوف به «شهرهای بزرگ و ابرشهرها»، «شهرهای ساحلی»، «شهرهای مناطق خشک و نیمه‌خشک» و «شهرهای دورافتاده و واقع در کوهستان‌های بلند» خواهد بود. با وجود آنکه مدیریت شهری و شهرداری‌ها نزدیک‌ترین لایه حکومت به مردم هستند، اما متأسفانه ظرفیت‌های فنی، مالی و نهادی آنها برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درباره مدیریت ریسک‌های ناشی از مخاطرات تغییرات اقلیمی اندک است. اغلب مدیریت شهری به فجایع و مصیبت‌ها (Disaster) واکنش بیشتری نشان می‌دهد، اما متأسفانه به مخاطرات و عوامل به‌وجودآورنده فجایع (Hazards)، برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیری، کاهش تلفات و آسیب‌های انسانی و نیز خسارات مالی و اقتصادی و مدیریت ریسک ناشی از تغییر اقلیم کمتر حساس است.

امروزه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، برنامه‌ریزی و مدیریت نظام‌مندی را در سطوح راهبردی و عملیاتی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری با شرایط تغییر اقلیم و مدیریت ریسک‌های ناشی از آن در پیش گرفته‌اند. بخش عمده استراتژی‌های فضایی مطرح در این زمینه، معطوف به ایجاد تعادل و تناسب کاربری اراضی از طریق کنترل توسعه پراکنده و ناپایدار شهری و توسعه الگوی شهر فشرده و توسعه کاربری‌های ترکیبی (Land use mix) بوده است. در این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها، تلاش می‌شود با کاهش فاصله محل سکونت و محل کار، زمینه آمدوشد پایدار شهروندان (پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده بیشتر از وسایل حمل‌ونقل همگانی) موجبات مصرف کمتر انرژی و سوخت‌های فسیلی را فراهم آورند.

با وجود سهم اندک کشورهای درحال‌توسعه، در انتشار گازهای گلخانه‌ای، کشورهای مذکور بیشتر در معرض مخاطرات تغییر اقلیم قرار دارند. زیرا عمده این کشورها از محرومیت‌های جغرافیایی و سطح نازل ثبات و پایداری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رنج می‌برند. در این کشورها، نه‌تنها تغییر اقلیم برای دولت‌های ملی اولویت ندارد بلکه در مواردی حتی «ادراکی از خطر تغییر اقلیم» وجود ندارد. مدیریت شهری در این‌گونه کشورها، ظرفیت نهادی و منابع مالی لازم را در اختیار ندارد. به علاوه شیوه مدون و استانداردی برای مدیریت ریسک و سازگاری با شرایط تغییر اقلیم وجود ندارد. در چنین شرایطی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری به دلیل نداشتن اطلاعات، دانش و تجربه کافی، از مدیریت، ارزیابی و پایش ریسک ناشی از تغییرات اقلیمی ناتوانند.

تناسب و سازگاری عناصر اقلیمی با نیازها و آستانه‌های تحمل موجودات زنده و جوامع بشری در میان دیگر عوامل بنیادی طبیعی (مانند توپوگرافی، منابع آب، خاک و پوشش گیاهی)، بیشترین نقش را در ایجاد فضاهای قابل‌زیست داشته است.

کارتون روز

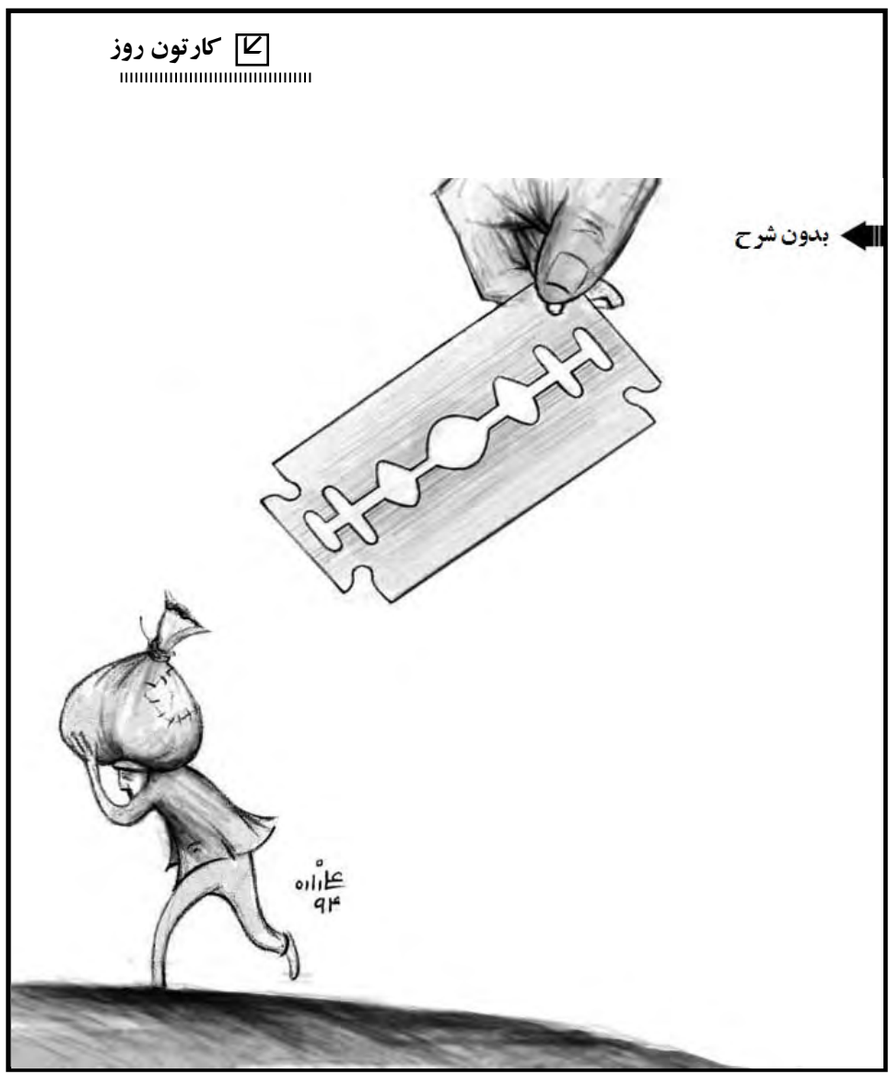

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com